

نقش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان پایه هشتم

شهزاد سادات موسوی^۱، فرانک موسوی^{۲*}

(۱) کارمند (ستاد) دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه، ایران.

(۲) گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

*نویسنده مسئول: fa.mossavi@iaau.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان پایه هشتم است. روش پژوهش شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پایه هشتم بودند که دو کلاس براساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردیدند و با گمارش تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان موريس می باشد. داده های پژوهش با استفاده از روش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی) و روش آمار استنباطی (آزمون تحلیل کواریانس) صورت گرفت. نتایج نشان داد که آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر افزایش خودکارآمدی و زیر مولفه های آن (خودکارآمدی اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی و هیجانی) نقش معناداری دارد. فراهم نمودن زمینه و بستر آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق در مدارس به دلیل نقش موثر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی و خودکارآمدی هیجانی باید مورد توجه مدارس قرارگیرد.

کلید واژگان: نقاشی خلاق، خودکارآمدی اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، خودکارآمدی هیجانی.

مقدمه

نقاشی خلاق به عنوان ابزار آموزشی است. نقاشی، فعالیتی مبتنی بر مشارکت و لذت بخش است که کودکان در همه مقاطع سنی می توانند در آن فعالیت کنند (موسوی، ۱۳۹۴).

دوران کودکی از نقشی حساس و تعیین کننده در زندگی انسان برخوردار است. توجه به این دوران تا آن جا است که اولاً کودکی از جانب روانشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت غالباً به عنوان برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان شناخته شده است. ثانیاً وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی های روانی در این سنین را از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی دانسته اند. با توجه به اهمیت و حساسیت دوران کودکی لازم به ذکر است که در این میان نقش فعالیت های

کودک می داند که نقاشی فعالیتی است که با افکار او مطابقت می کند و او را در تخیلاتش آزاد می گذارد و در عین حال، لذت سرشاری برای وی فراهم می آورد. علاوه بر آن، نقاشی به او امکان می دهد که افکار درونیش را به عبارت دیگر، خویشتن خودش و تأثیرپذیری درونی خود از فرهنگ و محیطش را نشان دهد. کودک، به کمک نقاشی، کشمکش ها و دلهره های درونیش را آشکار می کند و بدین طریق، از اثر آن ها می کاهد. هنگامی که کودک به وسیله نقاشی و تصویر اظهار نظر می کند، بسیاری از ابعاد شخصیت خود را آشکار می سازد و آنچه برای او مهم است بیرون ریختن مکنونات و تجربه های اندوخته شده اوست که نمایانگر وجود اوست. از جمله روش های مناسب آموزش مهارت ها به کودکان، استفاده از

هنری و نقاشی در پیشرفت و خلاقیت کودکان به ویژه در سال‌های پیش از دبستان حائز اهمیت است (دادستان، ۱۳۹۰). یکی از شاخه‌های هنر، نقاشی است که فعالیتی شخصی می باشد و از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. شیلر معتقد است انسان ها ذاتاً فعالند و بازی یکی از شیوه های تخلیه انرژی اضافی است. لذا نقاشی می تواند به نوعی بازی برای کودکان مطرح باشد. استفاده متنوع از این روش در زندگی انسان، از جمله در فعالیت های تفریحی، رسانه های جمعی و کاربرد پراکنده آن در برنامه های درسی و آموزشی و وجود شواهد و قرائنی حاکی از علاقه مندی و گرایش خاص کودکان نسبت به برنامه های هنری، لزوم انجام بررسی های گسترده را در این زمینه آشکار می سازد (میرزاییگی، ۱۳۹۰).

هنر کودک از هر نوع که باشد خواه نقاشی، شعر، سرود، موسیقی و غیره تفاوت کیفی با هنر بزرگسالان دارد در نتیجه بررسی و کنکاش درباره هنر از جمله نقاشی، به ویژه در دوران کودکی مقارن با آموزش و پرورش قبل از دبستان است اهمیتی مضاعف می یابد. با تکیه بر این باور که نقاشی به منزله یک فعالیت هنری کودک بیش از آنکه وسیله سرگرمی باشد در درجه نخست یک نیاز روانی و طبیعی است، راهی برای برقراری آنان با جهان خارج و ضرورتی برای رشد همه جانبه کودک محسوب می شود. در نظام بندورا منظور از خودکارآمدی احساس شایستگی، کفایت و قابلیت کنار آمدن با زندگی است. برآورده کردن و حفظ معیارهای عملکرد، خودکارآمدی را افزایش و ناکامی در برآورده کردن و حفظ آن معیارها، آن را کاهش می دهد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱: ۴۶۶). مورفی و الکساندر نیز خودکارآمدی را یک عامل برانگیزاننده می دانند که افراد با عبارتی نظیر من می توانم و یا من نمی توانم به قضاوت در مورد توانایی هایشان می پردازند (سی اگل و مک کوچ، ۲۰۰۷).

افرادی که خودکارآمدی اجتماعی سطح بالایی دارند بیش تر می کوشند، بیشتر موفق می شوند و پشتکار

بیش تری از خود نشان می دهند و ترس کمتری را تجربه می کنند (هرگنهان و السون، ۱۳۸۵). سی اگل و مک کوچ (۲۰۰۷) بیان می کنند که افراد با خودکارآمدی بالا برای روبه رو شدن با موضوعات جدید علاقه مندتر و سختکوش تر هستند و استقامت زیادی در حل مسائل و مشکلات دارند.

همچنین بررسی های گوناگونی که تاکنون در زمینه نقاشی کودکان صورت گرفته نشان داده است که نقاشی کودکان چیزی بی محتوا یا فاقد ارزش نیست. بلکه این گونه فعالیت ها دارای ارزش محتوایی بسیار بوده و از جنبه های گوناگون هنری، بالینی، و آموزش پرورشی قابل بررسی است. به همه کودکان باید فرصت داد تا در مدت زمان کافی، با علاقه و تمایل شخصی و استفاده از وسایل و ابزار مناسب به نقاشی کردن بپردازند. البته در بین آنان کودکانی هستند که سطح آمادگی یا استعداد فطری بالاتری دارند و مهیا بودن شرایط به شکوف شدن استعداد این کودکان می انجامد (فراری، ۱۳۹۱).

لودیک (۱۹۸۴) پیشنهاد کرده است که ترسیم نقاشی را برای تشخیص شرایط آسیب شناسی می توان به کار برد و از این عوامل تشخیص ابتدایی، به تدریج روش های منظم بسیاری به وجود آمد که امروزه آنها را آزمون نقاشی می نامند. پژوهش های زیادی از جمله پژوهش های راسل (۲۰۰۸)، لی (۲۰۰۰)، نژادی کاشانی (۱۳۸۸) و به پژوه و نوری (۱۳۸۱) در مورد اثربخشی نقاشی بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان انجام گرفته که همه ی آنها بر مؤثر بودن آموزش نقاشی تأکید کرده اند. نقاشی وسیله مفیدی برای بیان زندگی عاطفی کودک است که به او فرصت می دهد تا از طریق نقاشی های آزاد و دلخواه حالت روانی و احساس های آنی و همچنین تحریکات ریشه دار و ژرف خود را بیان نماید.

از جمله روش های مناسب آموزش مهارت ها به کودکان، استفاده از نقاشی به عنوان ابزار آموزشی است. نقاشی، فعالیتی مبتنی بر مشارکت و لذت بخش است که کودکان در همه مقاطع سنی می توانند در آن شرکت کنند.

نقاشی تکنیکی نامحدود است و بیانی کلی از نگرش و احساس نقاش به دست می‌دهد و نظرات و باورهای او را آشکار می‌سازد (سفیری و ایمانیان، ۱۳۹۰: ۶۱).

هنر سرنخ‌هایی برای درک و حل مشکلات کودکان به دست می‌دهد و با ایجاد احساس بهزیستی ناشی از فعالیت خلاق به بهبودی روابط، ارتقای مهارت‌های سازشی و سازگاری شخصی کودکان با دنیای اطرافشان کمک می‌کند.

منظور از آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، نقاش پروری و آموزش نقاشی نیست بلکه ارائه فرصت‌هایی به فرد است تا از طریق رنگ‌ها و خطوط، احساسات، عواطف، و نیازها و حتی دانسته‌های خود را به نحوی که مایل است آزادانه بیان کند (روبین و لندگارتن، ۱۹۹۹، به نقل از به‌پژوه و نوری، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

لئون فلد (۱۹۷۵) اظهار داشته است که فرایند ساختن، ترسیم و نقاشی فرایند پیچیده‌ای است که طی آن کودک اجزای گوناگونی از تجربیاتش را برای ساخت یک کل معنادار مورد استفاده قرار می‌دهد. در این فرایند، کودک به ما چیزی بیش از یک مجسمه را می‌دهد. او بخشی از خود را به ما باز می‌نماید؛ این که چگونه فکر می‌کند، و چگونه احساس می‌کند و چگونه می‌بیند. گارتر و میلر (۱۹۷۵) در برنامه‌ای تجربی که برای هشت کودک در سنین ۷-۱۱ سال با دو خط پایه طراحی کردند به پژوهش در این زمینه پرداختند که فعالیت‌های هنری قادرند رشد، آگاهی، و مهارت‌های دستی کودکان با ناتوانی یادگیری را افزایش دهند. نتیجه برنامه تجربی شش هفته‌ای آن‌ها که توسط آزمون ادراک رشد بینایی فراستینگ اندازه‌گیری شد، تفاوت معناداری را نشان داد.

آزادی بی قید و شرط کودکان در انتخاب موضوع، طرح، رنگ گاهی اوقات سبب می‌شود بی از حد کودکان به کارهای تکراری بپردازند و همواره مناظر آشنا مانند: خانه، آدم، خورشید و ... بکشند. در این مرحله لازم است مربی آنها را راهنمایی کند تا از موضوعهای دیگر نیز برای نقاشی استفاده نمایند. این راهنمایی به

منزله سلب آزادی هنری کودکان نمی‌باشد. این روش موجب آشنا شدن کودکان به کارهای هنری و پیشگیری از عادات غلط و ناشیانه در آنها و همچنین افزایش قدرت دید و ایجاد مهارت در کودکان می‌گردد (صرافان، ۱۳۹۱). یکی از مواردی که باعث پیشرفت خلاقیت کودکان می‌شود آن است که معلم خردمند به کودک اجازه دهد تا به طور مستقل کار کند. کودکان علاقه زیادی به کشیدن تصاویر دارند و هرگاه کسی برای آنها نقاشی کند با اصرار می‌خواهند که خود کار نقاشی را ادامه دهند. مربی باید به این خواسته کودکان توجه لازم نماید (گلین، ۱۳۹۱).

سؤال مهم این است که چه باید کرد تا نقاشی، خلاقیت کودکان را محدود نسازد بلکه بر عکس موجبات رشد و گسترش آن را فراهم سازد؟ این سوال از این جهت مهم است که هدف آموزش و پرورش ایجاد تغییرات مطلوب که به نظر مربیان و اجتماع مطلوب است، مغایر با خلاقیت یادگیرنده بوده است (عطاران، ۱۳۸۹).

روند خلاقیت هنری از دو مرحله پیاپی که ممکن است از هم جدا باشند، ترکیب شده است که عبارت‌اند از: مرحله قریحه و الهام و مرحله تهیه و تدارک. قسمت اول مربوط به کششی است که توسط یک عامل خلاق و ناشناخته حس می‌شود. قسمت دوم مربوط به تجربه و ترتیب خاصی برای حل مشکلات که مبهم تر است می‌باشد. بنابراین شرط لازم برای تولید یک اثر هنری این است که نظارتی که توسط انسان انجام می‌گیرد، کاهش یابد. اما اگر این نظارت کاملاً از بین برود، اثر هنری جنبه خصوصی پیدا می‌کند و در نتیجه اثر غیر قابل فهم خواهد شد، و عکس آن نیز صادق است بدین صورت که اگر نظرت دقیق و قاطع باشد، نتیجه کار هنری سرد و ماشینی خواهد بود. پژوهشهای «بارون» نشان می‌دهد که افراد مبتکر نقاشی‌های نامرتب، بی نظم و درهم و برهم را بر نقاشی‌های ساده و هندسی و منظم ترجیح می‌دهند و همیشه در جستجوی چیز ای تازه‌اند (مختاری، ۱۳۸۹). برای استفاده از فواید و ارزش‌های نقاشی باید کودک بتواند آزادانه به بیان آن بپردازد. کودک در نقاشی

موجودیت خود و دیگران یا چگونگی احساس زیستن خود و دیگران را فرافکنی می‌نماید (کرم، ۱۳۹۱).

کاریگان (۱۹۹۳) پس مشاهده برنامه‌های کارگاه‌های حمایتی، برای افراد عقب‌مانده ذهنی، در مقاله‌ای گزارش کرد که در سوئیس به جای برنامه‌های تغییر رفتار، از نقاشی درمانی برای افراد عقب‌مانده ذهنی استفاده می‌شود؛ زیرا نقاشی درمانی نه تنها فرصت‌هایی برای بیان خود پدید می‌آورد، بلکه به رشد شناختی و افزایش خلاقیت آنان کمک می‌کند و وابستگی آنان را کاهش می‌دهد. بررسی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که در ایران پژوهش‌های اندکی در مورد بررسی تأثیر نقاشی خلاق بر مهارت‌ها و مشکلات رفتاری کودکان صورت گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر روش آموزشی مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان سوم راهنمایی می‌پردازد. در این پژوهش، اجرای برنامه مداخله‌گرانه نقاشی خلاق، متغیر مستقل و میزان خودکارآمدی، متغیر وابسته محسوب می‌شوند. منظور از نقاشی خلاق در این پژوهش این بود که کلیه لوازم نقاشی در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد و دانش‌آموزان مختار هستند در مورد هر موضوعی که تمایل داشتند نقاشی بکشند. لذا فرضیه‌های این پژوهش شامل:

فرضیه اصلی: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش‌آموزان سوم راهنمایی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی اول: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی دانش‌آموزان سوم راهنمایی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی دوم: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان سوم راهنمایی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی سوم: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی هیجانی دانش‌آموزان سوم راهنمایی تأثیر دارد.

روش شناسی

در این بررسی از طرح پیش پژوهشی شبه تجربی با روش پیش آزمون- پس آزمون در دو گروه کنترل و

آزمایش استفاده گردید. جامعه آماری جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه هشتم شهر هلمشی می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده و ۲ کلاس انتخاب گردید. نمونه شامل ۳۰ نفر در دو کلاس بود که به صورت گمارش تصادفی، یک کلاس گروه آزمایش و یک کلاس گروه گواه قرار داده شدند.

مراحل اجرای این طرح عبارتند از: (۱) جایگزین کردن آزمودنی‌ها به صورت گمارش تصادفی (دو گروه) (۲) اجرای پیش آزمون شامل پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان در دو گروه آزمایش و گروه گواه و جمع‌آوری داده‌های ناشی از اجرای این آزمون (۳) اجرای متغیر مستقل شامل ۸ جلسه ۴۰ دقیقه‌ای آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق برای آزمودنی‌ها که به صورت تصادفی در گروه آزمایش قرار گرفته‌اند (۴) اجرای پس آزمون و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها ناشی از اجرای این آزمون.

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسشنامه خودکارآمدی اجتماعی کودکان و نوجوانان موریس (۲۰۰۱) در سه حیطه‌ی اجتماعی، تحصیلی، هیجانی، تهیه شده است. پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان شامل ۲۳ ماده است که از ۳ خرده‌آزمون خودکارآمدی اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، خودکارآمدی هیجانی تشکیل شده است. و توانایی آزمودنی را در موقعیت‌های مختلف می‌سنجد.

خرده‌آزمون خودکارآمدی اجتماعی که شامل هشت ماده اول پرسش‌نامه است توانمندی ایجاد ارتباط با همسالان، قاطعیت و رسیدن به معیارهای اجتماعی را می‌سنجد خرده‌آزمون خودکارآمدی تحصیلی شامل هشت ماده دوم پرسش‌نامه است و احساس توانمندی در مدیریت رفتارهای یادگیری، تسلط بر موضوعات درسی و تحقق انتظارات تحصیلی را مورد سنجش قرار می‌دهد. خرده‌آزمون خودکارآمدی هیجانی شامل هفت ماده آخر پرسشنامه است و احساس توانمندی فرد را در مقابله با هیجانات منفی و کنترل آنها می‌سنجد. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه خودآزمونی بندورا تهیه شده است. پرسشنامه بندورادارای ۳۷ ماده است که ۷ حیطه اثرمندی را می‌سنجد. پرسشنامه حاضر به صورت اختصاصی متمرکز بر ۳ حیطه طراحی شده است. طرز اجرا و نمره‌گذاری آزمون بدین ترتیب است که هر ماده در مقیاس ۵ نمره‌ای ارزیابی می‌شود که عبارتند از ۱=اصلا الی ۵=بسیار زیاد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس فرضیه ها و نوع متغیرهای تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس استفاده شد. پس از بررسی و اطمینان از پیش فرض های اساسی کوواریانس یعنی توزیع نرمال داده ها، یکسانی واریانس ها و همسانی شیب رگرسیون، فرضیه های زیر مورد بررسی قرار گرفتند.

فرضیه اصلی: "آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی تأثیر دارد"

پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان ابزار با ارزشی برای ارزیابی خودکارآمدی کودکان و نوجوانان است. پایایی آن خوب گزارش شده است و ثبات درونی آن ۰/۰۸ می باشد. تحلیل عاملی یک ساختار ۳ عاملی در ۳ حیطه اجتماعی، تحصیلی، هیجانی را نشان داده است. (موریس، ۲۰۰۲). پایایی این ۳ عامل ۰/۰۷، ۰/۰۸، ۰/۰۸ خودآزمونی اجتماعی، خودآزمونی هیجانی، خودآزمونی تحصیلی (موریس، ۲۰۰۲). اعتبار آزمون در ایران از طریق آزمون بازآزمون به فاصله دوهفته در ۴۳ نفر از دانش آموزان تهرانی برابر ۸۷/۰ و آلفای کرونباخ آن ۰/۷۴ محاسبه شد (طهماسبیان، ۱۳۸۴؛ موریس، ۲۰۰۲).

یافته ها

جدول ۱. آزمون لاندای ویلکز Wilk's Lambda

مقدار آزمون مقدار F	سطح معناداری
۰/۰۰۰۱۴۸۰۵۹۰/۰۱	
فاصله بسیار اندکی می باشد و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است و بیانگر آنست که: میانگین ها در پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.	
هرچه مقدار آزمون لاندای ویلکز به صفر نزدیکتر باشد نشان می دهد که میانگین ها دارای تفاوت بیشتری با یکدیگر می باشند و هرچه به ۱ نزدیکتر باشد عدم تفاوت میانگین ها را گزارش می کند. در این آزمون مقدار آزمون لاندای برابر با ۰/۰۱ گزارش شده است که با صفر دارای	

جدول ۲. آزمون اثرات درون آزمودنیها

آزمون پذیرش Covariate	درجه آزادی مقدار F	سطح معناداری
۶۲۲/۰۱	۴۸۰/۵۹	۰/۰۰۰۱

(آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی دانش آموزان می گردد. بطور کلی با توجه به آزمون های تعقیبی (لاندای ویلکز و آزمون آزمون پذیرش Covariate) می توان گفت که: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان موثر بوده و فرضیه فوق تایید می شود.

فرضیه فرعی اول: "آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی تأثیر دارد.

آزمون آزمون پذیرش Covariate به ما نشان می دهد که آیا متغیر آزمایشی به کار گرفته شده در این پژوهش (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده است یا خیر؟

با توجه به آزمون فوق، چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است

جدول ۳. آزمون لاندای ویلکز Wilk's Lambda

مقدار آزمون	مقدار F سطح معناداری
۰/۰۶	۳۸۳.۶۱ ۰/۰۰۰۱
لاندا برابر با ۰/۰۶ گزارش شده است که با صفر دارای فاصله بسیار اندکی می باشد و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است و بیانگر آنست که: میانگین ها در پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.	

هرچه مقدار آزمون لاندای ویلکز به صفر نزدیکتر باشد نشان می دهد که میانگین ها دارای تفاوت بیشتری با یکدیگر می باشند و هرچه به ۱ نزدیکتر باشد عدم تفاوت میانگین ها را گزارش می کند. در این آزمون مقدار آزمون

جدول ۴. آزمون اثرات درون آزمودنی ها

آزمون پذیرش Covariate	درجه آزادی مقدار F	سطح معناداری
۷۷۰/۴۱ ۱	۱۰۷/۷۲	۰/۰۰۰۱

آزمون آزمون پذیرش Covariate به ما نشان می دهد که آیا متغیر آزمایشی به کار گرفته شده در این پژوهش (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده است یا خیر؟

با توجه به آزمون فوق، چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: تغییری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان می گردد.

بطور کلی با توجه به آزمون های تعقیبی (لاندای ویلکز و آزمون آزمون پذیرش Covariate) می توان گفت که: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان موثر بوده و فرضیه فوق تایید می شود.

فرضیه فرعی دوم: "آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی تأثیر دارد"

جدول ۵. آزمون لاندای ویلکز Wilk's Lambda

مقدار آزمون مقدار F	سطح معناداری
۳۰.۵۱۰/۴۷	۰/۰۰۰۱
هرچه مقدار آزمون لانداى ويلكز به صفر نزديكتر باشد نشان مى دهد كه ميانگين ها داراى تفاوت بيشترى با يكديگر مى باشند و هرچه به ۱ نزديكتر باشد عدم تفاوت ميانگين ها را گزارش مى كند. در اين آزمون مقدار آزمون لاندا برابر با ۰/۴۷ گزارش شده است كه با صفر داراى فاصله اندكى مى باشد و سطح معنادارى نيز برابر با ۰/۰۰۰۱ مى باشد كه از ۰/۰۵ كوچكتر است و بيانگر آنست كه: ميانگين ها در پيش آزمون و پس آزمون تفاوت معنادارى با يكديگر دارند.	

جدول ۶. آزمون اثرات درون آزمودنی ها

آزمون پذیرش Covariate	درجه آزادی مقدار F	سطح معناداری
۵۰/۴۱ ۱	۵۰/۳۳	۰/۰۰۰۱

آزمون آزمون پذیرش Covariate به ما نشان می دهد که آیا متغیر آزمایشی به کار گرفته شده در این

بطور کلی با توجه به آزمون های تعقیبی (لاندا و ویکلز و آزمون آزمون پذیرش Covariate) می توان گفت که: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان موثر بوده و فرضیه فوق تایید می شود.

فرضیه فرعی سوم: "آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی هیجانی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی تأثیر دارد"

جدول ۷. آزمون لاندا و ویکلز Wilk's Lambda

سطح معناداری	F مقدار	۰/۱۸۹	۱۲۰/۲۸	۰/۰۰۰۱
--------------	---------	-------	--------	--------

لاندا برابر با ۰/۱۸۹ گزارش شده است که با صفر دارای فاصله اندکی می باشد و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر است و بیانگر آنست که: میانگین ها در پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.

پژوهش (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده است یا خیر؟

با توجه به آزمون فوق، چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان می گردد.

هرچه مقدار آزمون لاندا و ویکلز به صفر نزدیکتر باشد نشان می دهد که میانگین ها دارای تفاوت بیشتری با یکدیگر می باشند و هرچه به ۱ نزدیکتر باشد عدم تفاوت میانگین ها را گزارش می کند. در این آزمون مقدار آزمون

جدول ۸. آزمون اثرات درون آزمودنی ها

آزمون پذیرش Covariate	درجه آزادی مقدار F	سطح معناداری	۲۹۰/۴۰	۱	۱۲۰/۲۸	۰/۰۰۰۱
-----------------------	--------------------	--------------	--------	---	--------	--------

بحث و نتیجه گیری

به دلیل اهمیت هنر و نقاشی ذکر این نکته ضروری است که جایگاه و نقش فراموش شده هنر در نظام آموزش و پرورش کشور باید بازنشانی و تبیین گردد. این امر با توجه به آمار و پیامدهای مثبت تربیت هنری در ابعاد و سطوح گوناگون و نیز ارائه الگوی برنامه درسی هنر، بهتر آشکار و نمایان می شود. علیرغم نقش و اهمیتی که هنر و تربیت هنری در پرورش قابلیت ها و استعداد های دانش آموزان و تحقق اهداف نظام آموزشی دارد در عمل ملاحظه می شود که هنر از جایگاه مناسبی در برنامه درسی نظام آموزشی برخوردار نیست. و این حوزه صرفاً به عنوان قلمرو فرعی آموزشی مورد توجه قرار می گیرد. لذا ضرورت دارد که پژوهش هایی قوی در ارتباط با جایگاه و نقش فعالیت های هنری از جمله نقاشی به

آزمون آزمون پذیرش Covariate به ما نشان می دهد که آیا متغیر آزمایشی به کار گرفته شده در این پژوهش (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده است یا خیر؟

با توجه به آزمون فوق، چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث کاهش خشم دانش آموزان می گردد. بطور کلی با توجه به آزمون های تعقیبی (لاندا و ویکلز و آزمون آزمون پذیرش Covariate) می توان گفت که: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق، بر خودکارآمدی هیجانی دانش آموزان موثر بوده و فرضیه فوق تایید می شود.

عنوان موثرترین و پایدارترین طریقه پرورش خلاقیت، خودکارآمدی، هوش و بهبود یادگیری دانش آموزان نگاشته و اجرایی شود.

بررسی فرضیه اصلی عبارت بود از آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان سوم راهنمایی تاثیر دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده گروه آزمایش و گروه کنترل بوده است. میانگین نمرات پیش آزمون متغیر خودکارآمدی در گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۸۳ و ۸۹.۰۱ می باشد که این میانگین ها در پس آزمون گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۱۰۴.۶۱ و ۱۰۳.۳۶ گزارش شده اند که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد افزایش میانگین در پس آزمون گروه آزمایش می باشیم. به عبارتی روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر دارد و مؤلفه خودکارآمدی دانش آموزانی که به روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق آموزش دیده اند بالاتر از خودکارآمدی دانش آموزانی است که به شیوه معمول آموزش دیده اند در نتیجه رابطه معناداری بین نقاشی خلاق و خودکارآمدی دانش آموزان سوم راهنمایی وجود دارد چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی دانش آموزان می گردد. و فرضیه فوق تایید می گردد. نتایج پژوهش نشان داد آموزش نقاشی خلاق بر خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش فیروزآبادی (۱۳۹۰) تاثیر روش های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان و همچنین پژوهش کریمی طریقه (۱۳۸۷) تعیین میزان رابطه خودکارآمدی و مراحل تغییر رفتار تمرینی در دانشجویان هم خوانی دارد.

تفسیرفرضیه دوم: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان سوم راهنمایی تاثیر دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده گروه آزمایش و گروه کنترل بوده است. میانگین نمرات پیش آزمون متغیر خودکارآمدی اجتماعی در گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۲۸.۴۶ و ۲۹.۱۲ می باشد که این میانگین ها در پس آزمون گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۲۸.۰۶ و ۳۸.۱۳ گزارش شده اند که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد کاهش میانگین در پس آزمون گروه آزمایش می باشیم. به عبارتی روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان تاثیر دارد و مؤلفه خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزانی که به روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق آموزش دیده اند بالاتر از خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزانی است که به شیوه معمول آموزش دیده اند. در نتیجه رابطه معناداری بین نقاشی خلاق و خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان سوم راهنمایی وجود دارد. چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان می گردد. و فرضیه فوق تایید می گردد. نتایج پژوهش نشان داد آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی اجتماعی دانش آموزان تاثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش عابدی (۱۳۸۷) بررسی اثر بخشی هنر درمانی خلاق با رویکرد روایتی - شناختی و خودکارآمدی و پژوهش مقدم و همکاران (۱۳۹۰) تاثیر آموزش نقاشی بر بهبود مهارت های ادراکی دیداری - فضایی و همچنین پژوهش آندریاس (۲۰۰۵) تاثیر آموزش هنر بر افزایش مهارت های ادراکی - دیداری دانش آموزان و پژوهش زایدل (۲۰۰۵) نقش هنر در افزایش ادراک همخوانی دارد.

تفسیر فرضیه سوم: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خود کارآمدی تحصیلی دانش آموزان سوم راهنمایی تاثیر دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده گروه آزمایش و گروه کنترل بوده است. میانگین نمرات پیش آزمون متغیر خودکارآمدی تحصیلی در گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۲۴.۸۰ و ۲۶.۱۳ می باشد که این میانگین ها در پس آزمون گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۲۵.۴۰ و ۳۹.۶۸ گزارش شده اند که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد کاهش میانگین در پس آزمون گروه آزمایش می باشیم. یعنی روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد و مؤلفه خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزانی که به روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق آموزش دیده اند بالاتر از خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزانی است که به شیوه معمول آموزش دیده اند. در نتیجه رابطه معناداری بین نقاشی خلاق و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان سوم راهنمایی وجود دارد. و با توجه به نتایج، چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که: متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث افزایش خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان می گردد. و فرضیه پژوهشی فوق تایید می گردد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش شریفی و رحمتی (۱۳۹۰) تاثیر آموزش مهارتهای یادداشت برداری بر خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان و پژوهش کارول (۲۰۰۹) بررسی رابطه میان خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی، پژوهش والترز (۲۰۰۴) رابطه خودکارآمدی با سطح بالا بهره گیری

شناختی و فراشناختی و همچنین پایداری در انجام دادن تکالیف درسی، هم خوانی دارد.

تفسیر فرضیه چهارم: آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خورد کارآمدی هیجانی دانش آموزان سوم راهنمایی تاثیر دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری پژوهش با استفاده از تحلیل) نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده گروه آزمایش و گروه کنترل بوده است. میانگین نمرات پیش آزمون متغیر خودکارآمدی هیجانی در گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۱۴ و ۱۶.۵۳ می باشد که این میانگین ها در پس آزمون گروه های کنترل و آزمایش به ترتیب برابر با ۱۴.۶۰ و ۲۱.۵۸ گزارش شده اند که دارای تفاوت قابل توجهی بوده و شاهد کاهش میانگین در پس آزمون گروه آزمایش می باشیم یعنی روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی هیجانی دانش آموزان تاثیر دارد و مؤلفه خودکارآمدی هیجانی دانش آموزانی که به روش آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق آموزش دیده اند بالاتر از خودکارآمدی هیجانی دانش آموزانی است که به شیوه معمول آموزش دیده اند. در نتیجه رابطه معناداری بین نقاشی خلاق و خودکارآمدی هیجانی دانش آموزان سوم راهنمایی وجود دارد. چون سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و از ۰/۰۵ کوچکتر است پس می توان چنین استنباط نمود که متغیری که در این پژوهش بصورت آزمایشی به کار گرفته شده است (آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق) اثر گذار بوده و باعث کاهش خشم دانش آموزان می گردد. در نتیجه فرضیه فوق تایید می گردد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مبتنی بر نقاشی خلاق بر خودکارآمدی هیجانی دانش آموزان تاثیر دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش لی (۲۰۰۲) تاثیر نقاشی درمانی بر تغییرات رفتار و هیجانی کودک و همچنین با پژوهش عطاری (۱۳۹۰) اثربخشی هنر نقاشی بر کاهش میزان اضطراب دانش آموزان پسر ابتدایی و پژوهش به پژوه و نوری (۱۳۸۱) تاثیر نقاشی در کاهش رفتارهای پرخطرانه دانش آموزان، همچنین پژوهش

گرگانی نژاد (۱۳۸۸) نقش هنر در مانی در کودکان، و پژوهش کاشانی (۱۳۸۹) تأثیر نقاشی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر هم خوانی دارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه ها پیشنهاد می شود: در مدارس و کلاس های درس به هنر و مخصوصا نقاشی خلاقانه توجه خاص شود و تا جایی که در قالب دروس امکان پذیر است فرصت کشیدن نقاشی خلاق به دانش آموزان داده شود.

منابع

-به پژوه، احمد؛ نوری، فریده. (۱۳۸۱). تأثیر نقاشی درمانی در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه ی دانش آموزان عقب مانده ی ذهنی. روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۲ (۲)، ۱۷۰-۱۵۵.

-دادستان، پریرخ. (۱۳۸۸). ارزشیابی شخصیت کودکان. تهران: رشد.

-سفیری، خدیجه؛ ایمانیان، سارا. (۱۳۹۰). نقاشی و نگارش، تکنیکی برای تحقیق با کودکان در علوم اجتماعی. مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، ۷۷-۵۸.

-شولتز، دوان. (۱۹۹۸). نظریه های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی (۱۳۸۳) تهران: نشر ویرایش.

- طهماسیان، کارینه؛ اناری، آسیه. (۱۳۸۸). رابطه بین ابعاد خودکارآمدی و افسردگی در نوجوانان. روان شناسی کاربردی، ۱ (۹)، بهار، ۹۳-۸۳.

-فراری، اولیوریو انا. (۱۳۹۱). نقاشی کودکان و مفاهیم آن. ترجمه: عبدالرضا صرافان، تهران: انتشارات دبستان.

-کرمن، ال. (۱۳۹۱). نقاشی کودکان. ترجمه: محمود منصور و پرچهر دادستان، تهران: انتشارات دبستان

-کرمی، جهانگیر؛ علیخانی، مصطفی؛ زکی یی، علی؛ خدادادی، کامران. (۱۳۹۱). اثربخشی نقاشی درمانی در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه ی دانش آموزان دختر دچار نارساخوانی. ناتوانی های یادگیری، دوره ی ۱، شماره ی ۲، ۱۱۷-۱۰۵.

-گلین، توماس. (۱۳۹۰). مقدمه ای بر روانشناسی نقاشی کودکان. ترجمه: محمد تقی فرامرزی. تهران: دنیای نو.

-مختاری، فرحناز. (۱۳۸۶). روان شناسی نقاشی کودکان. تهران: نشر افاقی

-میرزاییگی، علی. (۱۳۸۲). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: انتشارات مدرسه.

- موسوی ، فرانک. (۱۳۹۴). اصول تهیه برنامه های آموزشی ، کرمانشاه : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

-نژادی کاشانی، غزاله. (۱۳۸۸). تأثیر نقاشی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر عقب مانده ی ذهنی آموزش پذیر مقطع ابتدایی. ویژه نامه توان بخشی اعصاب کودکان، ۱۱ (۴)، صص ۷۸-۷

Quarterly Journal of Educational Psychology Skills
Islamic Azad University Tonekabon Branch
Vol. 16, No. 3, autumn 2025, No 63



Journal of Educational
Psychology

The role of creative drawing-based education on the self-efficacy of 8th students

Shzad Sadat Mosavi¹, Faranak Mosavi^{2*}

1) Employee (staff) of Payam Noor University, Kermanshah Province, Iran.

2) Department of Educational Management, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the effect of creative painting-based education on the self-efficacy of 8th grade students. The research method is a quasi-experimental design with a pre-test-post-test design and a control group. The statistical population of this study was all third-grade middle school students in West Gilan County, two classes of which were selected based on multi-stage cluster sampling and were randomly assigned to the experimental and control groups. The research tool is the Morris Children and Adolescents Self-Efficacy Questionnaire. The data of this study were collected using descriptive statistics (mean, standard deviation, frequency) and inferential statistics (analysis of covariance test). The results showed that creative painting-based education has a significant role in increasing self-efficacy and its sub-components (social self-efficacy, academic and emotional self-efficacy). Providing a context and platform for creative painting-based education in middle schools should be given attention by schools due to the effective role of creative painting on social self-efficacy, academic self-efficacy, and emotional self-efficacy.

Key words: Creative painting, social self-efficacy, academic self-efficacy, emotional self-efficacy.
